



#### ▲ جمشید رضایی

◇ قبل از ارائه پاسخ به این مستخدم عزیز شهرداری لازم می‌دانم که مقدمه‌ای در خصوص ضوابط و مقررات استخدامی حاکم در شهرداری‌ها عرض نمایم. شورای انقلاب در سال ۱۳۵۹ قانونی تحت عنوان «لایحه قانونی شمول قانون استخدام کشوری به کارکنان شهرداری‌ها به‌جز شهرداری پایتخت» تصویب نمود و علی‌رغم حکم قانونی یاد شده که کارکنان شهرداری‌ها را تابع قانون استخدام کشوری می‌داند، دولت مقررات جداگانه‌ای برای شهرداری‌ها تصویب و ابلاغ نمود. این مقررات در آیین‌نامه استخدامی شهرداری‌های کشور مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحات بعدی آن درج گردیده است. تا اینکه در سال ۱۳۸۱ آیین‌نامه استخدامی کارکنان شهرداری‌های کشور به تصویب دولت رسید و کمیسیون تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس

◆ ضمن عرض سلام و خسته نباشید از راهنمایی‌های جنابعالی در ماهنامه به‌استحضار می‌رساند که بنده سالیان متمادی است که در شهرداری به‌صورت قراردادی مشغول انجام وظیفه می‌باشم و در طول این سال‌ها بارها مشاهده نموده‌ام که برخی اشخاص بعد از اینجانب به‌صورت قراردادی به استخدام شهرداری درآمده‌اند و یکی دو سال بعد به استخدام رسمی شهرداری درآمده‌اند و هر بار که به مسوول اداری یا دفتر امور شهری یا روستایی مراجعه نموده‌ام تا نوع استخدام بنده از قراردادی به رسمی تبدیل شود، اظهار داشته‌اند که پست خالی وجود ندارد. لطفاً اظهار نظر نمایید که بنده چگونه می‌توانم به استخدام رسمی شهرداری پذیرفته شوم و وضعیت استخدامی خود را از قراردادی به استخدام رسمی کشوری تبدیل نمایم؟

شورای اسلامی با استناد به لایحه قانونی صدرالذکر و اینکه کارکنان شهرداری‌ها از نظر استخدامی تابع قانون استخدام کشوری می‌باشد، آیین‌نامه اخیر را مغایر با قانون تشخیص داده است. اما از آنجا که نظام استخدامی در شهرداری‌ها از سال ۶۸ تاکنون به گونه‌ای متفاوت از استخدام کشوری شکل گرفته و هرگونه تغییر در آن مستلزم دگرگونی در نظام استخدامی شهرداری‌ها است لذا کماکان براساس آیین‌نامه فوق عمل می‌شود. علی‌ای حال باتوجه به اینکه عملاً مقررات حاکم بر استخدام در شهرداری‌ها، آیین‌نامه استخدامی شهرداری‌های کشور می‌باشد و مطابق این آیین‌نامه تنها مستخدمان ثابت شهرداری مشمول مقررات آن خواهند بود (مستخدمین شهرداری به چهار گروه تقسیم می‌شوند: مستخدمین رسمی مشمول قانون استخدام کشوری - مستخدمین ثابت، قراردادی و پیمانی) از این رو مطابق این مقررات امکان تبدیل وضعیت ایشان به مستخدم رسمی تابع قانون استخدام کشوری مقدور نیست. البته به نظر می‌رسد که منظور این مستخدم عزیز تبدیل وضعیت به مستخدم ثابت است که در این صورت تبدیل وضعیت ایشان مستلزم این است که اولاً پست بلا تصدی در سازمان تفصیلی شهرداری وجود داشته باشد ثانیاً اعتبار لازم در بودجه پیش‌بینی شده باشد ثالثاً از وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور) مجوز اخذ شود رابعاً در امتحان یا مسابقه‌ای که به منظور استخدام برگزار می‌شود، شرکت نموده و نمره قبولی کسب نماید و شرایط لازم برای احراز پست مورد نظر را نیز دارا باشد. ناگفته نماند که در صورتی که متقاضی استخدام از خانواده اینترگران، آزادگان، جانبازان و شهداء باشند از امتیازات ویژه‌ای برخوردارند که در قوانین مربوطه پیش‌بینی شده است.

◆ **اینجانب مسئول امور اداری یکی از شهرداری‌های خطه جنوب کشور می‌باشم و سئوالی در رابطه با چگونگی پرداخت مزایا و تسهیلات به پرسنل شهرداری دارم و موجب سپاس فراوان خواهد بود که اگر به این سئوال به صورت شفاف پاسخ دهید. استحضار دارید که در قوانین و مقررات قدیمی و جدید تسهیلات و مزایایی برای کارکنان رسمی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، ادارات و مؤسسات**

دولتی که مشمول قانون استخدام کشوری هستند، برقرار می‌شود. ولی متأسفانه در هیچ‌یک از مقررات یاد شده صحبتی از کارکنان شهرداری‌ها نمی‌شود و به همین جهت استناداری و مراجع دیگر اظهار می‌دارند که این تسهیلات شامل شهرداری‌های سایر کارمندان وجود دارد که این مزایا به آنها تعلق نمی‌گیرد. جالب اینکه احکام حقوقی پرسنل شهرداری‌ها در مقایسه با کارمندان دولت بسیار پایین‌تر از آنها هستند. به علاوه حقوق پرسنل شهرداری‌ها از بودجه عمومی پرداخت نمی‌شود.

◆ باتوجه به صراحت مقرراتی که به شرح آتی خواهد آمد، تسهیلات و مزایایی که برای کارمندان دولت برقرار می‌گردد شامل پرسنل شهرداری‌ها نیز می‌گردد. مطابق ماده ۱۲ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۰، کلیه دستگاه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی که دارای مقررات خاص استخدامی می‌باشند، بانک‌ها و شهرداری‌ها و نیز شرکت‌ها و موسساتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، تابع ضوابط و مقررات این قانون خواهند بود. و به موجب تصویب‌نامه الحاق ماده ۲۵ به آیین‌نامه اجرایی قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب سال ۱۳۷۶، هرگونه افزایش و تغییر در میزان حقوق، مزایا، فوق‌العاده‌ها و سایر تسهیلاتی که برای کارکنان مشمول ماده یک قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۱۳۷۰ تصویب یا در نظر گرفته می‌شود با تأیید وزارت کشور در مورد کارکنان شهرداری‌های سراسر کشور به‌جز شهرداری تهران به‌منظور تأمین اعتبار لازم در بودجه شهرداری‌ها به اجرا درمی‌آید. از این رو تسری افزایش و تغییر در میزان حقوق، مزایا، فوق‌العاده‌ها و سایر تسهیلاتی که برای کارکنان مشمول قانون نظام هماهنگ به کارکنان شهرداری‌ها مستلزم تأیید وزارت کشور و تأمین اعتبار لازم در بودجه شهرداری‌هاست.

◆ همانگونه که می‌دانید شهرداری تهران در انجام معاملات خود تابع نظام خاص و ویژه‌ای می‌باشد که در آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران تعیین گردیده است. در مقایسه بین

ضوابط و مقررات حاکم بر معاملات شهرداری‌ها و شهرداری تهران به‌روشنی پیداست که مقررات ناظر بر معاملات شهرداری تهران بسیار مترقی‌تر و راهگشاتر از آیین‌نامه مالی شهرداری‌های کشور است. آیا شهرداری می‌تواند در تعداد خاصی از معاملات خود و ترک تشریفات مناقصه از مقررات شهرداری تهران استفاده نماید. یا اینکه این امر مستلزم تصویب شورای اسلامی شهر یا تأیید وزارت کشور است؟

◇ ضوابط و مقررات حاکم بر معاملات شهرداری‌ها و شهرداری تهران ضوابط و مقرراتی است که با تصویب مجلس تعیین گردیده است و در صورتی که نیاز باشد در این ضوابط و مقررات تغییراتی ایجاد شود نیازمند اراده قانون‌گذار و تصویب و تجویز آن است. بنابراین شهرداری نمی‌تواند رأساً یا با تصویب شورای اسلامی شهر یا وزارت کشور یا هیأت وزیران در انجام برخی معاملات از مقررات مندرج در آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران تبعیت نماید. آیین‌نامه معاملات شهرداری تهران همانگونه که در عنوان آن تصریح شده صرفاً ناظر به معاملات شهرداری تهران بوده و لاغیره.

◆ با عرض سلام به‌استحضار می‌رساند که اینجانب کارمند رسمی مشمول قانون استخدام کشوری در یکی از شهرداری‌ها مشغول به خدمت می‌باشم. پنج سال پیش به اتهام یکی از جرایم عمومی به سکونت در شهر دیگری غیر از شهر محل خدمت محکوم شده‌ام هرچند بنده به ناحق محکوم شدم و دادگاه بنا به دلایلی که نمی‌خواهم در این‌جا عرض نمایم برخلاف اصل عدالت و انصاف و براساس مدارکی غیرواقعی محل خدمتم را به شهر دیگر تغییر داد به هر حال بنده مجبور به ترک شهر خود و اقامت در شهر دیگری شدم. برای هزینه نقل و انتقال به کارگزینی مراجعه نمودم و ایشان اعلام نمودند که چون شما مرتکب جرم کیفری شده‌اید و یکی از مجازات صادر شده علیه شما تغییر محل خدمت است لذا ما نمی‌توانیم هزینه نقل و انتقال (هزینه سفر) را به شما پرداخت نماییم و به این ترتیب از پرداخت آن خودداری نمودند. آیا اقدام شهرداری مبنی بر عدم پرداخت هزینه نقل مکان به دلیل ارتکاب جرم درست و قانونی است یا خیر؟

◇ هرچند جنابعالی در نتیجه ارتکاب جرم عمومی به‌مدت یک‌سال به اقامت اجباری در شهر دیگری محکوم شده‌اید و محل خدمت وی نیز به‌تبع آن تغییر یافته لیکن چون اجرای دادنامه مذکور مستلزم تغییر محل خدمت شما شده و برابر بندهای (ب) و (پ) ماده ۴۰ قانون استخدام کشوری و آیین‌نامه اجرایی آن مستحق دریافت هزینه سفر و فوق‌العاده مربوط می‌باشید. به‌عبارت دیگر محروم نمودن جنابعالی از حقوق قانونی مستلزم حکم قانونی و تصریح در حکم قضایی است بنابراین در ما نحن فیه اقدام شهرداری در امتناع از پرداخت هزینه نقل مکان فاقد محمل قانونی است.



رأی شماره ۱۸۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری درخصوص جمع سوابق خدمت غیرمشمول قانون تأمین اجتماعی با سابقه پرداخت حق بیمه به سازمان مذکور به منظور تأمین حداقل نصاب سابقه پرداخت حق بیمه به آن سازمان عمل قانونی ندارد  
تاریخ: ۱۳۸۷/۳/۲۶  
شماره دادنامه: ۱۸۷  
کلاس پرونده: ۲۰۰/۸۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکي: آقای شاهرخ عباس زاده.  
موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب دوم و سوم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۲۲۱/۸۱ موضوع شکایت خانم هما ولایی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته الزام به برقراری مستمری و بازنشستگی به شرح دادنامه ۱۸۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳۰ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه مشتکی‌عنه قبول دارد که کسورات صندوق بازنشستگی کشوری در رابطه با شاکیه به صندوق تأمین اجتماعی منتقل شده است، از طرفی بند یک ماده ۷۶ سابقه پرداخت حق بیمه مندرج در قانون تأمین اجتماعی را شرط دانسته نه پرداخت حق بیمه به سازمان تأمین اجتماعی که مشتکی‌عنه این را ملاک قرار داده و اعلام داشته که انجام خواسته مقدور نیست، بنابراین ملاک پرداخت

حق بیمه حداقل ۲ سال است که با توجه به انتقال حق بیمه پرداخت شاکه از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق تأمین اجتماعی شرط شده بند یک ماده ۷۶ قانون تحقق یافته بنابراین با عنایت به آراء شماره ۳۴۱ الی ۳۴۹ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خواست شاکیه مبنی بر الزام به برقراری مستمری و بازنشستگی وارد تشخیص داده و رأی به ورود شکایت را صادر نموده است. ب - شعبه دوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۸۶/۸۱ موضوع شکایت خانم هما ولاتی به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته اعتراض به دادنامه شماره ۱۸۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳۰ شعبه هفدهم دیوان به شرح دادنامه ۱۰۹۹ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه انتقال کسور بازنشستگی از صندوق بازنشستگی کشوری به صندوق سازمان تأمین اجتماعی و تنظیم قرارداد قبل از قانون ماده واحده نحوه تأثیر سوابق منتقله مصوب ۱۳۸۰ صورت گرفته است، لذا مقررات مصوبه اخیرالذکر قابل تسری به اقدامات ماقبل نمی‌باشد با توجه به اینکه دادنامه تجدیدنظر خواسته به جهات و دلایل مقیده در آن صادر گردیده و از طرف تجدیدنظرخواه اعتراض مؤثری نشده و دلیلی که فسخ رأی صادره را ایجاب نماید، بعمل نیآورده بنابراین با رد اعتراض دادنامه تجدیدنظرخواسته تایید می‌شود. ج - شعبه دوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۵۰۵/۸۰ موضوع شکایت آقای شاهرخ عباس‌زاده به طرفیت سازمان تأمین اجتماعی به خواسته نقل و انتقال بیمه به شرح دادنامه ۲۵۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵ چنین انشاء رأی نموده است، حسب ماده واحده مصوبه ۱۳۸۰/۲/۲۹ مجلس شورای اسلامی و بند یک ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی، مشمولین قانون تأمین اجتماعی باید قبل از تاریخ بازنشستگی حداقل ۱۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه مقرر را داشته باشند و پس از بررسی محتویات پرونده و سوابق ارسالی مراد قانونگذار از حداقل پرداخت حق بیمه مندرج در قانون تأمین اجتماعی، کسانی هستند که کلیه سوابق پرداخت حق بیمه آنان ۱۰ سال باشد. با توجه به انتقال حق بیمه و پرداخت مابه‌التفاوت آن که مشتکی‌عنه خود نیز اقرار دارد سابقه پرداخت حق بیمه شاکه بیش از ۱۰ سال است و مشمول قانون می‌باشد. بنابراین

خواسته شاکه وارد و حکم به ورود شکایت را صادر نموده است. د - شعبه سوم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۴۲۹/۸۱ موضوع تجدیدنظرخواهی سازمان تأمین اجتماعی از دادنامه شماره ۲۵۷ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۵ شعبه دوم دیوان عدالت اداری به شرح دادنامه ۱۰۰۸ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۶ این گونه رأی صادر نموده است، مستنبط از منطوق رأی شماره ۳۲۴ الی ۳۳۳ مورخ ۱۳۸۳/۷/۱۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که حکم مقرر در شق ۳ از بند (ب) تبصره ۲ اصلاحی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی که ماده واحده مصوب ۱۳۸۰/۷/۱۴ بیان شده ظهور در تسری آن نسبت به سایر بیمه‌شدگان از حیث افزایش سنوات پرداخت بیمه به منظور استفاده از مستمری بازنشستگی را دارد، لذا اقدامات سازمان مذکور در راستای قانون مذکور انجام پذیرفته بنا به مراتب اعتراض تجدیدنظر خواه نسبت به دادنامه تجدیدنظر خواسته موجه تشخیص ضمن فسخ دادنامه بدوی بنا به جهات و دلایل مقیده ایراد و تخلفی بر اقدامات انجام یافته ملحوظ نبوده و حکم به رد شکایت صادر می‌نماید. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی هیأت عمومی

طبق ماده واحده قانون نحوه تأثیر سوابق منتقله بر سازمان تأمین اجتماعی برای استفاده از مزایای مقرر در قانون تأمین اجتماعی مصوب تیر ماه ۱۳۵۴ سوابق خدمت غیر مشمول قانون تأمین اجتماعی بیمه شدگان که بابت آن حق بیمه یا کسور بازنشستگی به صندوق بازنشستگی ذیربط پرداخت گردیده است، با انتقال حق بیمه یا کسور بازنشستگی و مابه‌التفاوت براساس محاسبات بیمه‌ای آن طبق قوانین و مقررات موجود صرفاً در تعیین مستمری بازنشستگی از کارافتادگی و بازماندگان قابل احتساب می‌باشد، مشروط بر آنکه افراد مزبور در زمان بازنشستگی دارای حداقل سابقه پرداخت حق بیمه مندرج در قانون تأمین اجتماعی باشند. مستنبط از حکم مقرر در قسمت اخیر ماده واحده قانون فوق‌الذکر، جواز احتساب سوابق خدمت غیرمشمول قانون تأمین اجتماعی منتقله به سازمان تأمین اجتماعی

با رعایت شرایط قانونی به منظور تعیین مستمری بازنشستگی، از کارافتادگی و بازماندگان بیمه شده متوفی، مقید به داشتن حداقل سابقه پرداخت حق بیمه مندرج در قانون تأمین اجتماعی در زمان بازنشستگی می‌باشد و با این وصف جمع سوابق خدمت غیر مشمول قانون تأمین اجتماعی با سابقه پرداخت حق بیمه به سازمان مذکور به منظور تأمین حداقل نصاب سابقه پرداخت حق بیمه به آن سازمان محمل قانونی ندارد. بنابراین دادنامه شماره ۱۰۹۹ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۱ شعبه دوم تجدیدنظر دیوان مبنی بر تایید دادنامه شماره ۱۸۷۵ مورخ ۱۳۸۱/۹/۳۰ شعبه هفدهم بدوی دیوان که متضمن این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

**هیأت عمومی دیوان عدالت اداری**

**معاون قضائی دیوان عدالت اداری**

**رهبرپور**



رأی شماره ۹۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در خصوص تعیین شرایط و اعطاء امتیازات خاصی به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی از حیث استخدام آنها بطور پیمانی و محرومیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد با شرایط مشابه از امتیازات مذکور از مقوله اعمال تبعیض ناروا می‌باشد

تاریخ: ۱۳۸۷/۲/۲۲

شماره دادنامه: ۹۳

کلاس پرونده: ۱۱۹/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکلی: خانم زهره حکیم زاده.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب پنزدهم بدوی و یازدهم تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه پنزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۰۶۱/۸۳ موضوع شکایت خانم

مژگان رضوانفر به طرفیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به خواسته صدور حکم به پذیرش استخدام پیمانی در سازمان مربوطه به شرح دادنامه ۵۵۶ مورخ ۱۳۸۴/۳/۴ چنین رأی صادر نموده است، با مذاقه و امان نظر به مندرجات منطوق و مفهوم ظاهر عبارت بخشنامه استنادی شاکلیه به شماره ۱۸۰۰/۱۲۳۰۴۸ مورخ ۱۳۸۲/۶/۳۱ که بر مبنای این بخشنامه دستگاه‌های دولتی می‌توانند دارندگان مدارک لیسانس و بالاتر را که حداقل دارای ۳ سال سابقه خدمت تمام وقت در همان دستگاه بوده و در امتحانات ادواری پذیرفته شده‌اند در صورت مجوز استخدامی در قالب سهمیه استخدامی موضوع ماده ۳ قانون برنامه سوم و مصوبه شماره ۱۳۸۰/۵/۲۹ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۹ هیأت وزیران بدون انتشار آگهی استخدامی به استخدام پیمانی درآوردند و فقط آن دسته از دارندگان مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر از شرط ۳ سال سابقه خدمت و امتحانات ادواری معاف می‌باشند، اقدام به استخدام پیمانی آنها نمایند، ظهور در مطلق دانشگاه های کشور داشته که مبادرت به کنکور سراسری می‌نمایند و مفاداً انصراف به دانشگاه‌های دولتی از این بخشنامه استنباط نمی‌گردد، زیرا هیچ گونه تقیید به دولتی بودن فارغ التحصیلان این دانشگاه ها نگردیده و اطلاق عبارت مندرجه نسبت به دانش‌آموختگانی که در کنکور سراسری دانشگاه‌ها رتبه‌های ممتاز را کسب نموده‌اند، منصرف به تمامی کسانی است که از دانشگاه‌های کشور با برگزاری کنکور سراسری پذیرش شده و مشغول تحصیل گردیده و فراغت حاصل می‌نمایند، می‌باشند. بنابراین شمول بخشنامه استنادی منعی در مورد فارغ التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی نداشته که موید این استنتاج صدور رأی هیأت عمومی شماره ۴۶۶ مورخ ۱۳۸۳/۹/۲۲ دیوان عدالت اداری در ابطال مصوبه هیأت مدیره شرکت فولاد خوزستان به شماره ۲۰۳-۱۰۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۲۳ می‌باشد که طی این رأی لازم‌الاتباع حکم مقرر در ماده واحده قانون تایید رشته‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۶۷ مصرح در تکلیف وزارت فرهنگ و آموزش عالی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه بررسی مدارک فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی و تایید مدارک تحصیلی آنان با

رعایت مقررات مربوط و نتیجتاً مبین و مثبت ارزش و اعتبار تحصیلی گواهینامه تحصیلی فارغ‌التحصیلان آن دانشگاه همانند مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی است، که عدم رعایت آن خلاف اهداف و حکم صریح مقنن می‌باشد و در نتیجه نظر به مستندات ابرازی شاکی از جمله تایید رتبه اولی وی از سوی دانشگاه متبوعه به شرح مضبوط در پرونده و اینکه داشتن مجوز استخدام پیمانی شرط مربوط به مخاطب یعنی سازمان استخدام گیرنده است استخدام شوند و با لحاظ این مطلب که شاکیه قبل از انقضای اعتبار بخشنامه استنادی اقدامات اداری لازمه را در جهت تبدیل وضعیت خود به پیمانی صورت داده و تاخیر سازمان متبوعه وی در اجابت خواسته شاکی نمی‌تواند نافی و مسقط حقوق اکتسابی که برای شاکیه به موجب مقررات و مصوبات قانونی برایش حق مکتسبه ایجاد نموده، باشد، بنابراین با احراز واجد شرایط بودن شاکیه و حقانیت وی شکایت مطروحه از سوی ایشان را مقرون به صحت و محرز دانسته و مستنداً به شق (پ) بند یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت شاکیه و الزام سازمان مشتکی‌عنه به صدور اجازه اقدام به تبدیل وضعیت استخدامی شاکیه به پیمانی در محل سازمان مورد اشتغال وی با رعایت سایر مقررات موضوعه صادر و اعلام می‌دارد. ب-۱- شعبه سوم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۸۹۳/۸۳ موضوع شکایت زهره حکیم زاده به طرفیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به خواسته ابطال نامه شماره ۱۸۰۳/۲۴۵۲۳ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ آن سازمان به شرح دادنامه ۲۰۷۲ مورخ ۱۳۸۳/۸/۲۸ چنین رأی صادر نموده‌اند که با ملاحظه مندرجات دادخواست تقدیمی و مدارک پیوست آن و توضیحات طرف شکایت به شرح لایحه جوابیه شماره ۵۱۵۷ مورخ ۱۳۸۳/۸/۱۸ از حیث نقض قوانین و مقررات و یا مخالفت با آن تخلفی از ناحیه مشتکی‌عنه که موجب تضییع حق شاکیه شده باشد مشاهده نمی‌شود، لذا شکایت بنحو مطروحه غیر وارد و رأی به رد شکایت صادر و اعلام می‌گردد. ب-۲- شعبه یازدهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۶۵/۸۳ موضوع شکایت خانم زهرا حکیم‌زاده‌اردکانی به طرفیت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به خواسته صدور حکم به پذیرش استخدام پیمانی

در سازمان مربوطه به شرح دادنامه شماره ۱۴۵۲ مورخ ۱۳۸۴/۵/۱۱ چنین رأی صادر نموده‌اند، نظر به اینکه تجدیدنظرخواه نسبت به دادنامه شماره ۲۰۷۲ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۸ شعبه سوم دیوان اعتراض موجه و موثری بعمل نیامده و با بررسی سوابق امر بر کیفیت رسیدگی و اعمال مقررات نیز ایراد و اشکالی که فسخ دادنامه بدوی را ایجاب نماید مشهود نیست، بنابراین با رد تجدیدنظرخواهی دادنامه بدوی عیناً تایید و استوار می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی هیأت عمومی

الف- با توجه به محتویات پرونده‌های فوق‌الذکر وجود تعارض در مدلول دادنامه‌های صادره در پرونده مذکور محرز است. ب- نظر به اینکه در اجرای ماده واحده قانون تایید رشته‌های دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی مصوب ۱۳۶۷ رشته‌های تحصیلی شاکیان پرونده‌های فوق‌الذکر توسط مراجع ذیصلاح وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مورد ارزیابی و تایید قرار گرفته و در نتیجه واجد ارزش و اعتبار رشته‌های تحصیلی همسان فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های سراسری دولتی کشور است، بنابراین تعیین شرایط و اعطاء امتیازات خاص به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های دولتی از حیث استخدام آنان به طور پیمانی و محرومیت فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد اسلامی با شرایط مشابه از امتیازات مذکور و نتیجتاً محرومیت از استخدام آنان به صورت پیمانی از مقوله اعمال تبعیض ناروا و خلاف حکم مقنن و بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی است. بدین جهت دادنامه شماره ۵۵۶ مورخ ۱۳۸۴/۳/۴ شعبه پانزدهم دیوان مبنی بر ورود شکایت شاکی و تایید استحقاق او به استخدام به صورت پیمانی صحیح و موافق قانون می‌باشد. این رأی به استناد بند ۲ ماده ۱۹ و ماده ۴۳ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ برای شعب دیوان و سایر مراجع اداری ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

مقدسی فرد